

نویسنده: پنکاج مشرا (Pankaj Mishra).

منبع و تاریخ نشر: نیویارک تایمز «2019-01-17»

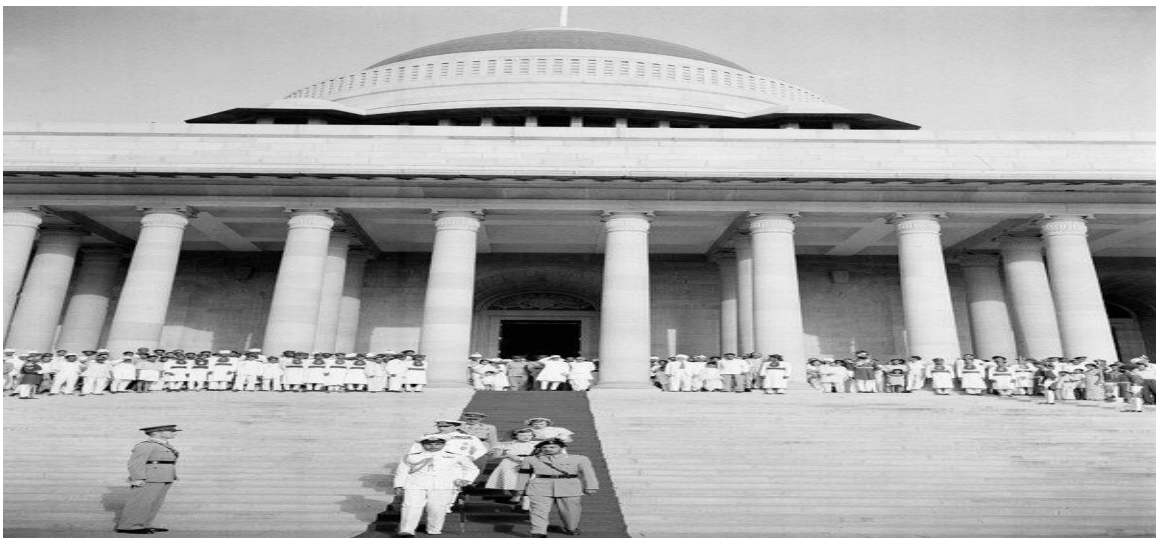
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

بی کفایتی طبقه حاکم بدنام بریتانیا

the malign incompetence of the British ruling class

با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (Brexit) چموکرات‌هایی (حاکمان نخبه که از همان افرادی پس‌زمینه تشکیل شده‌اند، که به همان مدارس و پوهنتون‌ها رفته‌اند و از دیدگاه‌های اجتماعی یکدیگر خود را می‌شناختند... از ویکی‌پدیا توسط این قلم) که مرزهای خود را از هند به آیرلیند می‌کشیدند طعم داروی خود را کنون می‌چشند.

With Brexit, the chumocrats who drew borders from India to Ireland are getting a taste of their own medicine



ارل و کنتس مون بتن، پشت سربازان و نیروهای نظامی فرماندار، از زینه‌های خانه مجلس (پارلمان) در دهلی نو در «21» ژوئن سال «1948» نزول می‌کنند. Credit

Associated Press

اسکات، نویسنده رمان نویس در سال «1947» خروج فاجعه بار بریتانای ها را از امپراطوری هندی شان توضیح داده و نوشت: در هند وستان انگلیسیها «به پایان خود به همان سانی که آنها بودند رسیدند» سلطه ای خودر اپایان دادند - یعنی پایان دادن به ایده عالی خود شان در باره خودشان بود. **اسکات** در میان آن مرعوبین «ترس خورده ها» بود که از چون و چندی و بی رحمی انگلیس که مدت بیش از یک قرن هند را اداره کرده بودند، تکانه خورده بود و با آنها او این امپراتوری را به تقلید و هرج و مرج محکوم کرد؛ که

چگونه **لونیس مونتباتن** (لونیس مونتباتن (انگلیسی: Louis Mountbatten) یا با نام کامل **دریاسالار ناوگان لونیس فرانسیس آلبرت ویکتور نیکلاس مونتباتن**، اولین ارل مونتباتن برمه (انگلیسی: Louis Mountbatten, 1st Earl Mountbatten of Burma) متولد شده با نام شاهزاده لویی با تنبرگ (انگلیسی: Prince Louis of Battenberg); (۲۵ ژوئن ۱۹۰۰، ۲۷ اوت ۱۹۷۹) یک افسر نیروی دریایی و دولتمرد بریتانیایی، عموی شاهزاده فیلیپ دوک ادینبورگ و پسر عموی دوم ملکه الیزابت دوم بود. در طول جنگ جهانی دوم او فرمانده عالی متفقین در آسیای جنوب شرقی بود (۱۹۴۳-۴۶). او همچنین آخرین نایب السلطنه هند (۱۹۴۷) و اولین استاندارد مستقل هند (۱۹۴۷-۴۸) بود. لرد لونیس مونتباتن همچنین برنده جوایزی همچون نشان ستاره برنزی و لژیون

دونور (صلیب بزرگ) شده است. **از ویکی پدیا توسط این قلم**



Louis Mountbatten, 1st Earl Mountbatten of Burma

که توسط مورخ دست راستی «**اندرو رابرتز**» به عنوان یک "دروغگو و فریبکارو محدود فکر" شناخته شده است، که بعداً به عنوان آخرین نایب رئیس بریتانیا یا (ویسرا) در هند تعیین میشود که بر بیش از (400) میلیون نفر حکومت میکند . گسیختگی بریتانیا از اتحادیه اروپا حاکی از آن است که این یکی دیگر از اقدامات فرار از اخلاق توسط حاکمان آن کشور است. **Brexiters** (حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا)، به دنبال فانتزی قدرت و خودکفایی دوران امپراطوری، بارها و بارها خجالتی و ناتوانی خود را در دو سال گذشته نشان داده اند. گرچه در اصل در صورت

باقیمانده نبریتانیا در اتحادیه اروپا به غرور و تکبر و بی عرضگی نخست وزیر **ترزا مای**، سر میخورد او به تحمیل یک جدول زمانی آشکار غیر قابل اجرا از دو سال در **Brexit** و خطوط قرمز شده ای که مذاکرات را با بروکسل تضعیف کرده بود شد که این معامله او را مجلس دوحزبی نمایندگان در پارلمان بریتانیا در این هفته محکوم ورد کردند. چنین الگوی رفتار خودخواهانه و مخرب توسط نخبگان بریتانیا امروز بسیاری از مردم را به لرزه می اندازد. اما در هفت دهه قبل، در زمان خروج شتاب زده بریتانیا از هند، هفتاد سال پیش را به خاطر ها تداعی میکند.

مونت باتین (Mountbatten) بعنوان کارشناسی «ارشد فاجعه» در محافل دریایی بریتانیا به صفت نماینده اعضای یک گروه کوچک از مردان بریتانیا بی های بالایی و از طبقه متوسط که آنها بواسطه استادان و ماهران امپراتوری آسیا و آفریقا استخدام شده بودند سر بر آورد. بهر صورت این گروه های استخدام شده از بریتانیا و آسیا و آفریقا برای انجام وظایف سپرده شده ای عظیم شان بصورت کامل مجهز و آماده شدند ولی مقامات قدرتمند امپریالیستی بریتانیا برای آنها آنچنانیکه **ای.ام. فورستر (E.M Forster)** در مورد کرکتر یک انگلیس نوشته است که آنها هیچ تصویری در این زمینه ندارند که بشکل از اشکال در این جهان ظریف و غنی مرتکب اشتباه شوند.



جوهارلال نیهرو (Jawaharlal Nehru) معاون رئیس جمهور دولت موقت هند، از سمت چپ نشسته در جدول؛ ارل Mountbatten وحشی هند؛ و محمد علی جناح، رئیس جمهور مسلمان، در مورد برنامه بریتانیا برای هند، (2) ژوئن (1947)، صحبت می کند. CreditMax Desfor / Associated

فورستر با رملامتی فتنه های سیاسی و مفتضحانه هیبت حاکمه بریتانیا را بر مردانی که به طور خصوصی تحصیل کرده اند گذاشته و می گوید: اینها یکه از مزایای سیستم مدرسه دولتی نخبه کشور برخوردار بوده و شده اند. اینها به اصطلاح دانش آموزان ابدی اند "وزن از همه" شان نسبت به تعداد دیگران بلند و اضافه است یعنی که آنها، قطعاً در میان توری ها (اعضای حزب محافظه کار انگلیس) بیش از حد برجسته هستند. ولی امروز آنها

انگلیس را به بدترین بحران فروخته ویا مواجه ساخته اند یعنی یک قشر عجیب و غریب و خودخواه که نظیرشان در گذشته های دیده نشده است .
از جمله دویید «کامرون» آنچنانیکه اوبا بی پروا و با بی احتیاطی به در نظر گرفتن آینده کشور خود قمار زد وخواست که با برگذاری رفرندم برخی از افراد حزب خود را مثل **بوریس جانسون (Boris Jonson)** فرصت طلب را که همیشه لب به شکایت باز میکرد در انزوا قرار دهد ویکه راست به گروه حامیان خروج از اتحادیه اروپا بخاطر ماندن در مقام نخست وزیری خود قرار گرفت ویا که مثل سلف خود **ونستون چرچل** که زمانی در این مقام با گرمی انجام وظیفه میکرد بماند ویا که خواست تا مثل **جاکوب ریس موگ (Jacob Rees MOG)** مدبرعامل و صند و قدار که دفتر شرکت او در اتحادیه اروپا گشایش یافت او یعنی **کامرون** نیز همچواو میخواست نقشی را در تیاتر بازی کند که تا حد زیاد مورد تمسخر قرار گرفت و طبقه سیاسیون بریتانیا با یک چشم انداز عجیب و غریب او را از جمله جنایتکاران و کلاهبرداران دگم و محدود فکری توصیف و یادکردند.

حتی یک خبرنگار برای هفته نامه **یکونومی «The Economist»** ، عضو ارشد نخبگان بریتانیا، در حال حاضر اعتراف خود را نسبت به "آکسفورد چمس" یا (تحصیل کردگان نخبه از آکسفورد) حامیان بریکست (**Brexit**) کسیکه در هیچ یک ساعت از زندگی خود از برهنه گویی یا از رک و راست گویی (**Bluff**) نسبت به مهارت خود خاموش نمانده شکایت و تاسف اش را بر این حامیان بریکست در مجله به نشر سپرد که توسط یک گروه باهم اندیشه مطیع میگردد یعنی گروهی که اعضای گروه بالاتر بر مهارت و اعتماد به نفس متکی به تخصص در بریکست شیموکراسی (**chumocracy**) بریتانیا اند در یک ستون از مجله اعلام کرد که اوبالاخره با واتر لو مواجه شده است .

حقیقت واقعاً که دقیق تر است، زیرا کسانی که به تاریخ بریتانیا نگریسته اند ویا تاریخ این کشور را مطالعه کرده اند ، می گویند که عواملان پارلیتیشن (تقسیم بندی) استراتژیستان خروج ویرانگر امپراتوری بریتانیا – بعد از پارلیتیشن به خانه بازگشته اند . در یک افسانه غم انگیز، مرزهای اعمال شده در سال «1921» در ایرلند، نخستین مستعمره انگلیس، بزرگترین مانع از شکاف انگلیس های انگلیس است که سرزنش امپراتوری را برانگیخته اند . علاوه بر این، بریتانیا خود در معرض پارلیتیشن قرار دارد یعنی که تقاضای عمده بریتانیا بریکست (**Brexit**) است که در صورت نیل به آن ناسیونالیست های اسکاتلندی استقلال طلبی خود را تجدید می کنند .

این یک اندازه گیری از سلیقه سیاسی انگلیسی حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا «**Brexiters**» است که آنها باید ابتدا به سوال ایرلندی فراموش نشدنی و تحقیر آمیز اسکاتلند پاسخ دهند چونکه ایرلند به طور شایسته توسط آنها تقسیم شده بود تا اطمینان حاصل شود که مهاجران پروتستان بیش از تعداد کاتولیک های ما دری در یک بخش از کشور هستند . این تقسیم دهها سال خشونت را تحریک کرد که در اثر آن هزاران نفر جان

خود را از دست دادند. در سال «1998»، زمانی که با یک توافقنامه صلح نیاز برداشتن نقاط تلاشی افراد (چک های امنیتی) که در طول خط پارتیشن توسط بریتانیا اعمال شده بود، در سال (1998) مرعی الاجرا شد.

تحلیل مجدد سنت ویا رسوم رژیم مجدد مهاجرت در سراسر مرزهای مشترک بریتانیا با اتحادیه اروپا همواره و محتملاً توأم با مقاومت و خشونت بوده، اما اکنون که حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به تازگی بیدار شده اند و از این حقیقت انکار میکنند ولی فاش شدن یک ضبط صوتی استهزآمیز **اقای جانسون** وزیر خارجه انگلیس در مورد مرزهای بریتانیا نگرانی او را بعنوان «مسایل مربوط به حوادث خرد ویا جوجو هزاره» نشان میدهد.

اکثر سیاستمداران و روزنامه نگاران در آیرلند راجع به نادیده گرفتن تجاوز انگلیس ها که توسط بعضی ها کتمان میشود فهمیده اند و آن اینکه حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (**Brexiteers**) خشمگین هستند، و از سوی همه میداند که اهل تجارت پیشه در همه جا ها با بی توجهی غرورآمیز خود در ارتباط به عواقب اقتصادی مرزهای جدید خشمگین میباشند اما هیچ کدام از این ها ویا هیچ کسی از آنها نه می فهمد که از ظلم غیر قابل انکاری که طبقه حاکمه بریتانیا در ابتدا خط فاصل و جدایی را در آسیا و آفریقا در بین مردم مان آن سرزمین ها کشیدند که نسبت به کشیده شدن همین خط های تحمیلی تمام آن مردمان آسیا و آفریقا در طول حیات خود متحمل رنج های بیکران شدند و تا اکنون میشوند. و این همه نابخردان چرا انگشت انتقاد را به حاکمان مستبد انگلیس نشان نمیگیرند.

بی کفایتی ناشی از «**Brexiteers**» دقیقاً در طول خروج بریتانیا از هند در سال «1947»، بیشتر به شدت به دلیل عدم آمادگی منظم برای آن، پیشی گرفت. دولت انگلیس اعلام کرده بود که هند تا ژوئن «1948» استقلال خواهد داشت یا که آزاد خواهد شد. ولی در هفته ی اول ژوئن «1947»، **Mountbatten** ناگهان اعلام کرد که انتقال قدرت در «15» آگوست سال «1947» اتفاق می افتد - یک تاریخ بسیار شگفت انگیز و برای تعیین مرز های این پارتیشن در ماه ژوئیه به یک وکیل بریتانیا بی به نام **سیریل راد کلیف** وظیه دادند طوریکه او خود در مورد تکان میخورد که به این زودی ها، و آنهم به کسی که اصلاً به مرز های این کشور آشنایی قبلی نداشته - مرز های برای کشور جدید تعیین کند پس چه باید کرد؟

با توجه به این نقطه که برای **راد کلف** مدت پنج هفته وقت تعیین گردید که او باید به ساخت جغرافیایی سیاسی هند دست بکشد و در جناح شرقی و غربی هند کشوری را بنام پاکستان بروی نقشه بیاورد - او یعنی **راد کلف** نتوانست که به هر قریه، جوامع، رودخانه ها، و جنگل ها در مرز ها که او قصد داشت آن را از نزدیک بخاطر از بین بردن ببیند ویا از آن ها بازدید بعمل آورد. اما او یعنی **راد کلف** تقسیم مناطق زراعتی داخل کشور هند را از شهر های بندری و بطور ناگهانی کاهش هندوها، مسلمانان و سک ها را در هر دو طرف مرز جدید به اقلیتی مذهبی برای پارتیشن طرح کرد که بتاسی از آن بطور موثر میلیون ها انسان را به مرگ و ویرانی محکوم کرد که او در بدل این طرح

و کار خود از مقامات دولت در بالاترین سطح برادری به کسب مقام و منزلت نایل شد. قابل توجه است که به تاسی از این پارتنیشن تا یک میلیون نفر جان خود را از دست دادند، تعداد بی شماری از زنان ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته و بزرگترین جمعیت پناهندگان در طول انتقال جمعیت در مرز **راد کلینف** ایجاد شده صورت گرفت. کشتار گسترده ای که بیش از همه سنا ریوهای آخرالزمانی «**Brexit**» است.

به تازگی، **Mountbatten** حتی به نسبت دلیل کمتر از خانم ترزا «**May**» برای سرعت بخشیدن به ساعت خروج - و ایجاد مشکلات نامحلول و ابدی. مثلاً هندوستان و پاکستان که تنها چند ماه پس از پارتنیشن سرهم بند شده به جنگ علیه یک دیگر در قلمرو مشکوک کشمیر پرداختند و هیچ یک از طرف های ذینفع برای خروج شتابزده بریتانیا تلاش نکردند. همانطور که مورخ **الکس فون تنزلمن** اشاره می کند، "عجله بود که تنها **Mountbatten** میخواست."

مونتباتن «**Mountbatten**» در واقع کمتر کله شق از وینستون چرچیل بود، که با اظهار نظر امروزه بسیاری از حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا اعطای نام خوبی به او میدهند این است که چرچیل یک امپریالیست متعصب، سختگیر نسبت به هرسیاستمدار انگلیسی بود و تلاش داشت تا استقلال هند را خنثی کند و به عنوان نخست وزیر از سال «**1940**» تا «**1945**»، برای تحقق با آن تلاش کرد. او از فانتزی نژادپرستانه در مورد انگلیسیهای انگلیسی برتر دفاع کرد و از کمک به هند یها در قعر قحطی در سال **1943** به این دلیل که "خرگوش را نباید پرورش داد" ابا ورزید.

نیازی به گفتن نیست، چنین نزاع هایی از جهل در مورد هند به عنوان غیر قابل تحمل به عنوان «**Brexiters**» در مورد ایرلند صا در شده است. وزیر امور خارجه چرچیل برای هند ادعا کرد که رئیس او می دانست که «همانطور که بسیاری از مشکل هند را به عنوان جورج «**III**» از مستعمرات آمریکایی انجام داده است.» چرچیل در طول عمر طولانی خود، یک امپراتوری مشا به را به ایرلند به نمایش گذاشت، و آن اینکه او تعداد زیادی ایرلندی های جوان را بخاطر مرگ قطعی آنها در شکست جنگ فاجعه آمیز نظامی در **کالیپولی**، به ترکیه، در طی جنگ جهانی اول بمنظور سرنگون کردن ملی گرایان ایرلندی و آزاد کردن گروه های وحشی شبه نظامی در سال «**1920**». فرستاد.

بسیاری جنایات از ماجراجویان مبهم امپراتوری توسط قدرت بزرگ ژئوپلیتیک بریتانیا و سپس توسط اعتبار فرهنگی آن پوشیده شده است. به همین دلیل است که تصاویری که توسط نخبگان بریتانیا بی خود به عنوان شجاع، عاقل و مهربان به ارمغان می آورد، تا همین اواخر می توانستند شواهد تاریخی زیادی در مورد این اساتید فاجعه از قبرس به مالزی، فلسطین تا آفریقای جنوبی، زنده بمانند. در سال های اخیر، چنین افرادی که به طور خصوصی تحصیل کرده و صاف مانند مردان چون **نیل فرگوسن** و **تونی بلر** بودند، که حتی می

توانستند بریتانیا بی‌ها را به عنوان نجات‌دهنده از رنج و بروز بشریت برسانند، و از نومحافظه‌کاران آمریکایی خواسته بودند تا با مسئولیت سفید پوست را در سطح جهانی به ایشان محول کنند.

تحقیر درکارهای نئو امپریالیستی در خارج از کشور و به دنبال آن فاجعه نابودی *Brexit* در خانه، بی‌رحمانه‌ای از آنچه **هانا ارندت** آنرا به نام "حماقت‌های امپریالیسم" نامیده است، ظاهر شد. که به عنوان پارتیشن به خانه برمی‌گردد، تهدید خونریزی در ایرلند و جدایی در اسکاتلند، و هرج و مرج غیرقابل‌تصور از معاملات *Brexit* نیست، مردم عادی بریتانیا ایستاده رنج می‌برند یعنی از زخم خروج غیر قابل‌تحمل زمانی که توسط چیموکرات‌های «*chomocrats bumbling*» بریتانیا میلیون‌ها نفر از آسیا و آفریقای متحمل شدند. انگیزه‌های تاریخی زشت‌تر ممکن است انگلستان را در مسیر خیالی خود به *Brexit* بگذارد. اما ایمن است که بگوییم یک طبقه حاکم بریتانیا، که مدت‌هاست در معرض آن قرار دارد، نهایتاً به پایان خود رسیده است.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله: پنکاج مشرا، اخیراً نویسنده و مولف کتاب تحت عنوان "خشم عصر: تاریخچه در حال حاضر است."

----- **با تقدیم سلام ها (2019-01-25).**

